

پایان نافرجام سازمان افسران حزب توده ایران

آرش قنبری^۱

چکیده

سازمان نظامیان یا افسران حزب توده یکی از تشکیلات حزب توده بود که در سال ۱۳۲۳ و به وسیله افسران عالی‌رتبه ارتش ایران تشکیل شد. در ابتدا دانشکده افسری عمده‌ترین کانون فعالیت افسران توده‌ای به شمار می‌آمده است. این سازمان در رویدادهای مهمی تاثیر گذار بود، یکی از این وقایع قیام افسران خراسان است که در سال ۱۳۲۴ به وقوع پیوست و با سرکوب این جریان از سوی فرمانداری نظامی ایران خاتمه پذیرفت. واقعه مهم دیگری که سازمان افسران در آن نقش داشتند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود، در این رویداد، سازمان افسران نقشی مهم و اساسی را ایفا کردند و در حمایت جبهه ملی فعالیت‌های زیادی را انجام دادند. برخی از پرسنل این سازمان به دلیل نفوذ و قدرتی که در ارتش ایران داشتند می‌توانستند نقشی اساسی در پیشبرد اهداف حزب داشته باشند. سازمان افسران بلاخره در سال ۱۳۳۳ بعد از کشف و شناسایی دچار فروپاشی شد و بسیاری از رهبران و کارگزاران این سازمان محاکمه و اعدام شدند. اما آنچه از اهمیت درباره سازمان افسران حزب توده وجود دارد این است که این سازمان یکی از تشکیلات مهم حزب توده بوده است، چرا که پس از سرکوب این نهاد، حزب توده نیز کم فروغ‌تر گردید. هدف اصلی این پژوهش بررسی سازمان افسران حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی است، همچنین وقایعی که این سازمان در آن‌ها تاثیر گذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: نظامیان، حزب توده، سازمان، افسران

مقدمه

فعالیت مارکسیست‌ها در ایران به پیش از جنگ جهانی اول و با پیدایش انجمن‌های غیبی سوسیال دمکرات در سه شهر تهران، رشت و تبریز آغاز شد. اعضای انجمن نامبرده نقش انحرافی و تخریبی در نشر افکار مشروطیت بر عهده داشتند، پس از استقرار استبداد صغیر در سال ۱۹۰۸ میلادی، تعداد زیادی از این افراد در باغشاه تهران بازداشت شدند و بسیاری به دستور محمد علی شاه به قتل رسیدند و تعدادی هم در اثر تعقیب ماموران دولتی متواری و نابود شدند. به این ترتیب این جریان را می‌توان به عنوان نخستین سنگ پایه تشکیلاتی حزب کمونیست ایران منظور نمود (اعترافات سران حزب توده ایران، ج ۱، ۱۳۷۵، ۱۱).

حزب کمونیست ایران برای نخستین بار در اواخر جنگ جهانی اول و به دنبال پیروزی انقلاب اکتبر در روسیه تحت عنوان حزب عدالت در باکو تشکیل گردید و اسدالله غفارزاده به عنوان رهبر حزب انتخاب شد (همان، ۱۲). پس از تشکیل حزب عدالت، غفارزاده به منظور پیوستن به جنبش جنگل راهی رشت می‌شود ولی وی قبل از آنکه بتواند خود را به جنگل برساند در یکی از خیابان‌های رشت مورد حمله قرار می‌گیرد و به قتل می‌رسد. سرانجام سه سال پس از تاسیس حزب عدالت، نخستین کنگره حزب کمونیست ایران در تابستان ۱۲۹۹ هـ.ش در بندر انزلی تشکیل می‌گردد که در این کنگره حزب عدالت به حزب کمونیست ایران تغییر نام می‌یابد و متعاقب همین کنگره کامران آقازاده، حیدر عمو اوغلی و جعفر پیشه‌وری به عنوان رهبران اصلی حزب انتخاب می‌شوند. آخرین دوران فعالیت حزب کمونیست ایران در زمان رضا خان پهلوی تحت رهبری تقی ارانی، کامبخش و کامران آقازاده به وقوع پیوست، این دوران در واقع آخرین مرحله پایانی حزب کمونیست ایران به شمار می‌رود و در نهایت پس از دستگیری و محاکمه گروه پنجاه و سه نفر^۱ حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۱۶ هـ.ش به طور کامل متلاشی و منهدم می‌شود. (همان، ۱۳)

پس از سقوط رضا شاه و فروپاشی حکومت بیست ساله رضاخانی، بار دیگر فضای باز سیاسی کشور این امکان را به وجود آورد تا مارکسیست‌های بازمانده از حزب کمونیست ایران به همراه گروه پنجاه و سه نفره و عناصر ملی روشنفکر بتوانند آزادانه ناشر افکار و اندیشه‌های خود باشند، بعد از برکناری رضا شاه از حکومت، محیطی بازتر و آزادانه‌تر در کشور پدید آمد و احزاب سیاسی بار دیگر شکل گرفتند، یکی از این احزاب حزب توده ایران بود که در هفتم مهر ماه ۱۳۲۰ هـ.ش تاسیس شد و در همان آغاز کار خود فعالیت خویش را از جمله مقابله با فاشیسم و زودون توهمات آلمان دوستانه متمرکز ساخت (خسرو پناه، ۱۳۷۷، ۱۱). سرانجام سومین مرحله از دوران فعالیت مارکسیست‌ها، یعنی دوران توده‌ای فرا رسید و حزب توده ایران که به مادر احزاب در ایران شهرت یافته بود و در حقیقت خود فرزند حزب کمونیست ایران و فرزند

زاده حزب عدالت بود تشکیل شد (اعترافات سران حزب توده ایران، ج ۱، ۱۳۷۵، ۱۲). حزب توده کمی پس از تاسیس به صورت بزرگترین و موثرترین نیروی سیاسی کشور درآمد و توانست در میان طبقات مختلف جامعه طرفدارانی را برای خود به وجود آورد، یکی از پایگاه‌های حزب توده سازمان افسران بود. سازمان نظامی حزب توده ایران که گاهی سازمان افسری نیز نامیده می‌شد، شبکه‌ای از افسران نظامی هوادار حزب بود. پرسنل نظامی که این سازمان را تاسیس کردند یک سال پس از اشغال ایران به دست متفقین در سال ۱۳۲۰ م، هسته‌های خود را ایجاد کرده بود (بهروز، ۱۳۹۰، ۵۰). حزب توده در سال ۱۳۲۳ تشکیلاتی^۲ وابسته به خود از جمله سازمان نظامی یا سازمان افسران را به وجود آورد که به سهم خود نقش مهمی را در عرصه فعالیت‌های این حزب ایفا کرد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۸، ۴۰) از همان آغاز فعالیت‌های حزب توده تنی چند از افسران ارتش و به ویژه نیروی هوایی که تمایلات مارکسیستی داشتند به این حزب روی آوردند، آشنایی افسران با حزب منشاء‌های متفاوتی داشت، برخی مانند محمد آگهی و ابوالحسن رحمانی به علت عضویت در حزب کمونیست و تحصیل در اتحاد جماهیر شوروی با مارکسیسم آشنا شدند و بعضی نیز همچون سرهنگ عبدالرضا آذر و سرگرد علی اکبر اسکندانی در دوران اقامت و تحصیل در اروپا با این افکار آشنا شدند و گروهی دیگر نیز تحت تاثیر فعالیت‌های اعضای خانواده‌شان به این سو سوق یافتند مانند سروان مراد رزم آور شوهر خواهر مرتضی و بزرگ علوی (خسرو پناه، ۱۳۷۷، ۲۰). بسیاری از نظامیان با مشاهده تظاهرات خیابانی اعضای حزب توده و اتحادیه‌های کارگری، مطالعه روزنامه‌ها و نشریات این حزب و شرکت در جلسات بحث و انتقاد که در دفتر حزب برپا می‌شد به تدریج به این حزب تمایل و گرایش پیدا کردند (همان، ۲۱). در ابتدا دانشکده افسری عمده‌ترین کانون فعالیت افسران توده‌ایی به شمار می‌آمد، بر اثر تلاش و فعالیت افرادی چون سرهنگ عبدالرضا آذر و سرگرد علی اکبر اسکندانی شمار قابل توجهی از افسران و دانشجویان جذب و در تشکیلات نظامیان حزب توده که به تدریج شکل گرفت سازماندهی شدند (همان، ۲۲).

سازمان نظامیان حزب توده ایران

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره شد نظامیان قبل از حمله متفقین به ایران به شدت طرفدار آلمان بودند و آن‌ها را نجات بخش ایران و ایرانی می‌دانستند و منتظر ورود آلمان‌ها به مرزهای ایران بودند تا به آن‌ها ملحق گردند^۳، در این زمان مرتضی زربخت نیز به همراه دو تن از دوستان نظامیش به سمت کرمانشاه به راه افتادند تا با گذر از عراق و سپس ترکیه خود را به نیروهای آلمان برسانند، اما این افراد به دلیل مشکلاتی که

برایشان رخ داد از این اقدام پشیمان شده و به تهران بازگشتند در همین اوضاع بود که فروغی نخست وزیر با متفقین قرارداد همکاری امضاء کرده بود، زربخت جذب خود به حزب توده را ناشی از خواندن کتابی تحت عنوان جامعه شناسی نوشته احمد قاسمی می‌داند و همچنین مقاومت ارتش شوروی در شهر استالینگراد را عامل دیگر این امر بر می‌شمارد (زربخت، ۱۳۸۲، ۳۴۴) علی اصغر احسانی انگیزه برخی افسران به حزب را این گونه توصیف می‌کند «به این فکر می‌کردیم تفاوت فاحش طبقاتی را از میان برده و در محیط زندگی خود به بچه‌های لوس و نر و نازپرورده‌های تیمساران و کله گنده‌ها درس بزرگی بدهیم چرا که اینان ما را که از خانواده‌های متنفذ و ثروتمند نبودیم به چشم حقارت می‌نگریستند». (احسانی، ۱۳۷۸، ۲۸)

با افزایش اعضای تشکیلات نظامیان حزب توده و لزوم تمرکز هر چه بیشتر فعالیت آنان و همچنین به دلیل عرصه و نوع فعالیت و شیوه عضوگیری متفاوت از تشکیلات حزب توده به تدریج زمینه ایجاد سازمانی با استقلال نسبی برای نظامیان عضو حزب توده فراهم شد. عضوگیری سازمان افسران به این شکل بود که فرد متقاضی عضویت در سازمان ابتدا به وسیله یک نفر از اعضای حزب که لااقل یک سال سابقه عضویت در حزب را داشت معرفی می‌گردید و بعد از آن، شعبه تشکیلات پس از تحقیقات کافی فرد معرفی شده را به عضویت آزمایشی می‌پذیرفت (چپ در ایران به روایت اسناد ساواک، خسروپناه، ۱۲) در این دوران از مهم‌ترین موفقیت‌های سازمان و در راس آن سرهنگ عبدالرضا آذر در جذب افسران ناسیونالیست، جذب گروه سروان خسرو روزبه شامل ستوان عبدالحسین عباسی، سروان یوسف مرتضوی، ستوان احمد علی رصدی اعتماد و ستوان عبدالحسین آگهی در سال ۱۳۲۳ ه.ش است، در رسته هوایی دانشکده افسری، سروان ابوالحسن رحمانی و سروان خلبان محمد باقر آگهی فعالیت چشمگیری داشته و در جذب افسران و دانشجویان نیروی هوایی موفقیت بسیاری به دست آوردند (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۲۲).

ایجاد سازمان همچنان با جدیت پیش می‌رفت، به نوشته خسرو روزبه در ابتدا به خاطر تمایل و خواست اعضای تشکیلات در بهار سال ۱۳۲۳ این زمزمه پیش آمد که خوب است انتخاباتی صورت گیرد و برای اداره تشکیلات هیئت اجرائیه سازمان نظامیان حزب توده ایران برگزیده شوند. در نتیجه افسرانی همچون سرهنگ عبدالرضا آذر، سروان خسرو روزبه، ستوان احمد علی رصدی اعتماد، سروان یوسف مرتضوی، ستوان عبدالحسین آگهی، ستوان هوشنگ طغرای و سروان محمد باقر آگهی برگزیده شدند و از سوی هیئت اجرائیه، سرهنگ آذر، سروان روزبه و سروان مرتضوی برای اداره کمیسیون‌های تشکیلات تبلیغات و امور مالی برگزیده شدند (همان، ۲۳). از ساختار تشکیلات سازمان نظامیان اطلاع چندانی در دست نیست اما

مشخص شده است که تشکیلات نیروی هوایی آن تا حدودی از استقلال برخوردار بوده است و همچنین دارای حوزه مرکزی با عضویت افرادی همچون سروان ابوالحسن رحمانی، سروان محمد باقر آگهی، ستوان یکم عباس سغایی، ستوان سید تقی موسوی و ستوان حسن نظری بوده است (همان، ۲۴). اما نظر تیمور بختیار درباره علت پدید آمدن سازمان افسران بدین ترتیب است که اولاً حزب توده از قوای نظامی می-ترسید و ارتش را بزرگترین دشمن خود می‌دانست زیرا که یقین داشت قوای تامینه بزرگترین ضامن حفظ استقلال و امنیت کشور است، ثانیاً حزب توده برای ایجاد شورش و تسخیر حکومت که هدف نهایی او بود احتیاج به قوای مسلح داشت و برای تجهیز قوای مسلح سه چیز لازم بود: افرادی که تعلیمات نظامی و جنگی دیده باشند، اسلحه‌ای که این افراد با آن مجهز شده باشند و افسران و فرماندهانی که آن‌ها را اداره کنند. (بختیار، ۱۳۴۴، ۲۹-۲۸)

به نقل از کتاب سیاه اساس سیستم تشکیلاتی سازمان افسران توده بر سه اصل استوار بوده است که این اصول عبارتند از ۱- انضباط شدید و تمرکز فوق‌العاده، در این روش هدایت فقط از طریق بالا به پایین یعنی از مقامات بالای سازمان نسبت به درجات پایین صورت می‌گرفته است و تمرکز و انضباط شدید وجود دارد ۲- پنهانکاری و استتار به حد اعلا: آخرین و جدیدترین طرق پنهانکاری و استتار در سازمان افسران به کار می‌رفت به طوری که کشف این سازمان برای مامورین انتظامی امکان پذیر نبود ۳- مراقبت و نظارت کامل: سازمان افسران توده و مسئولین آن متتهای مراقبت و نظارت را نسبت به افراد سازمان، کارها، خصوصیات روحی، روابط خانوادگی و اجتماعی اداری آن‌ها اعمال داشتند (همان، ۷۱)

قیام افسران خراسان

قیام افسران خراسان که قیام نظامیان متمایل به حزب توده است در خراسان و در مرداد ماه سال ۱۳۲۴ هـ. ش علیه حکومت وقت رخ داد، این قیام در شب ۲۴ مرداد آغاز و در ۲۹ مرداد به شکست انجامید. شرح واقعه به این ترتیب است: در تابستان سال ۱۳۲۴ سرهنگ عبدالرضا آذر به اتفاق سرگرد علی اکبر اسکندانی که هر دو از اعضای مهم سازمان افسران حزب توده بودند تصمیم به قیام مسلحانه علیه رژیم گرفتند و همراه گروهی از روشنفکران در ترکمن صحرا قیام کردند. کل برنامه‌های قیام توسط اسکندانی طراحی شده بود و او در موارد خاص با دیگران مشورت می‌کرد این در حالی است که برخی‌ها گفته‌اند قیام افسران خراسان بدون موافقت حزب توده و به طور خود سرانه شکل گرفته است اما واقعیت آن است که افرادی همچون کامبخش، آذر و اسکندانی از آن اطلاع داشته‌اند (احسانی، ۱۳۷۸، ۶۱). در جایی دیگر آورده شده

است که اسکندانی مستقیماً تصمیم می‌گرفت و کمیته مرکزی و شخص کامبخش نیز اجرا می‌کردند و دیگران را به نحوی قانع می‌ساخت که اعتراضی نکنند (شفایی، ۱۳۶۵، ۷۰)

این حرکت که به قیام افسران خراسان شهرت دارد پایان خوبی نداشت؛ چرا که شرکت کنندگان قیام در گنبد کاووس مورد حمله نیروهای پلیس و ژاندرم قرار گرفتند و برخی از آن‌ها در نبرد مسلحانه از پای درآمدند^۴ و بعضی دیگر راه فرار را پیش گرفتند و عده‌ای دیگر در غیاب به حکم اعدام محکوم شدند (تفرشیان، ۱۳۵۹، ۸۱). سخنان سرهنگ نوایی از رهبران قیام خراسان «ما گروهی از افسران لشکر هشت خراسان در نتیجه مخالفت و مبارزه با دستگاه زور و ظلم و جور مجبور به یک رشته عملیات شدیم: تراکه و فارس‌ها که ملت ایران را تشکیل می‌دهید برای برانداختن و نابود کردن دستگاه زور و ستم از شما کمک طلب می‌کنیم، ما با از دست دادن چند نفر از رفقای خود مایوس نخواهیم شد و با پشتیبانی یکدیگر ظالم را به سزای خود رسانیده و ظلم را ریشه کن خواهیم نمود» (احسانی، ۱۳۷۸، ۱۰۴). فضل‌الله نجفی برادر ابوالحسن نجفی که در واقعه قیام افسران خراسان شرکت دارد در نامه‌ای به برادرش چنین می‌نویسد «برادر عزیزم ما فردا برای آزاد ساختن کشور قیام می‌کنیم» (طیب زاده، ۱۳۸۰، ۴۳).

نقطه اوج سازمان افسران حزب توده همین قیام افسران است که رهبرانی همچون اسکندانی و آذر که امیدی به پیروزی سیاسی حزب توده نداشتند خود وارد معرکه شدند، اما همانطور که بیان شد این گروه کاری از پیش نبرده و به سرعت متلاشی شدند، شخصی که مبارزات سختی را بر علیه افسران توده‌ای که در خراسان قیام کرده بودند را انجام داد سرلشکر حسن ارفع^۵ نام داشت (صنعتی، ۱۳۸۳، ۱۷۵). این پایان کار افسران قیام‌گر نبود چرا که بعد از تشکیل فرقه دموکرات آذربایجان، در شهریور سال ۱۳۲۴ افسران باقیمانده از قیام خراسان و تعداد دیگری از سازمان افسران برای آموزش نظامی به فرقه مذکور پیوستند (تفرشیان، ۱۳۵۹، ۸۱)

در مورد قیام افسران خراسان اختلاف نظرهای زیادی بین تحلیل‌گران حزب توده وجود دارد که چه عاملی باعث بروز چنین رویدادی شد، اما آنچه مسلم است این بود که چنین قیامی توسط گروهی از اعضای حزب توده و با چراغ سبز روسها انجام گرفته است (خارکوهی، ۱۳۸۸، ۹۷) هدف از قیام افسران خراسان تشکیل یک هسته مقاومت در ترکمن صحرا و تاسیس حکومت مستقلی در این منطقه شبیه به جمهوری‌های خودمختار آذربایجان و مهاباد بوده است^۶ (همان، ۹۸).

انحلال موقت سازمان افسران

بعد از پایان جنبش‌های آذربایجان و کردستان و همکاری‌های افسران حزب توده با این قائله، اینک افسران توده‌ای نمی‌توانستند در ایران باقی بمانند چرا که از سوی دولت تحت پیگرد قرار گرفته بودند. افسران فراری که تحت تعقیب ارتش ایران واقع شده بودند از مرزهای ایران خارج شده و خود را به نیروهای کشور عراق تسلیم کردند و از این زمان به مدت سه سال در بازداشتگاه‌های مختلف عراق محبوس شدند، سرانجام این افراد در سال ۱۳۲۹ هـ. ش و در زمان نخست‌وزیری رزم‌آرا به دولت ایران تحویل داده شدند (مرتضی زربخت، ۱۳۸۲، ۲). پس از تحویل این افسران به ایران و بعد از تشکیل دادگاه یک نفر از این افسران به نام تفرشیان اعدام و مابقی به حبس ابد محکوم می‌شوند. (همان، ۳) بعد از قائله آذربایجان که حزب توده میراث‌دار شکست فرقه آذربایجان شده بود و نیروهای آن از هر طرف دچار تشتت و ریزش شده بودند با پیشنهاد خلیل ملکی سازمان نظامی افسران حزب توده منحل اعلام شد، تعدادی از افسران قدرتمند از جمله سروان خسرو روزبه به این امر اعتراض کرد و مستقلاً سازمان افسران آزادیخواه را تشکیل داد که بعد از مدتی در سال ۱۳۲۷ هـ. ش با تغییر کادر رهبری حزب این سازمان بار دیگر به حزب توده پیوست و بار دیگر زیر نظر حزب توده قرار گرفت (فرهمند، ۱۳۸۳، ۱)

آیین‌نامه سازمان افسران حزب توده

تا سال ۱۳۳۱ هـ. ش سازمان افسران حزب توده فاقد هر گونه اساسنامه و آیین‌نامه بود و افراد آن بدون اینکه از مقررات اساسنامه حزب استفاده کنند از این حزب تبعیت می‌کردند. در سال ۱۳۳۱ که سازمان افسران توده رشد و توسعه فراوانی گرفت رفته رفته عده‌ای از افراد آن اعتراض کرده که لاقبل دارای آیین‌نامه‌ای شوند، بلاخره کمیته مرکزی حزب با این عمل موافقت کرد و به هیئت دبیران سازمان ماموریت داد که آیین‌نامه‌ای تهیه کنند و این هیئت نیز بعد از بحث و مشاورت زیاد طرحی تهیه کردند و توسط دکتر حسین جودت رابط سازمان با کمیته مرکزی برای کمیته طرح را فرستاد و این مرکز بلاخره پس از بررسی کافی در فروردین سال ۱۳۳۲ طرح فوق را با اصلاحاتی تصویب نمود (بختیار، ۱۳۴۴، ۷۲).

متن این آیین‌نامه در اختیار افسران حزب قرار داده شد که در هنگام کشف سازمان افسران حزب توده به دست آمده است، در صفحه اول سرهنگ دوم محمد علی مبشری مسئول تشکیلات سازمان با خط و امضای خود نوشته است: تصدیق می‌کنم این آیین‌نامه افسران حزب توده ایران است، باید توجه داشت در این

آیین‌نامه همه جا به جای کلمه افسران اصطلاح فرهنگیان را به کار برده‌اند و این تغییر کلمه از نظر احتیاط بوده است که اگر احیاناً نسخه‌ای از آن گیر افتاد مورد سوءظن واقع نشود، کما اینکه به جای سایر اصطلاحات حزبی نیز کلمات مستعار دیگر انتخاب شده و به کار می‌رود (همان، ۷۳).

سازمان افسران و حمایت از مصدق

افسران طرفدار نیروی ملی از موقعیت استثنایی برخوردار بودند اما عدم تشکل و فقدان برنامه و بینش لازم از آن‌ها عناصری منفرد و حتی منفعل ساخته بود، معدود افسرانی که محافظت از خانه دکتر مصدق را بر عهده داشتند آشکارا از دولت ملی پشتیبانی می‌کردند و در فرصت‌هایی که به دست می‌آوردند از تبلیغات فروگذار نمی‌کردند (عمویی، ۱۳۸۰، ۷۵). بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ هـ. ش وظایف سازمان افسران گسترده‌تر شد و بار سنگین‌تری بر دوش اعضای سازمان قرار گرفت، عمده‌ترین وظایف سازمان حفاظت از حزب توده در برابر یورشها و نقشه‌های فرمانداری نظامی، خنثی ساختن اقدامات آنان و یاری رساندن به تداوم فعالیت حزب توده بود، در این راه اعضای سازمان در فرمانداری نظامی، دادرسی ارتش، شهربانی و اداره زندان‌ها هر یک به نوعی به حزب یاری می‌رساندند. از جمله اقدامات سازمان بعد از کودتا عبارت بود از: فراری دادن خسرو روزبه از زندان شهربانی، طرح فرار دکتر مصدق و مخالفت مصدق با این طرح، رساندن برخی اسناد و مدارک برای محاکمه دکتر مصدق و کمک کردن به وی، مخفی ساختن برخی از افراد جبهه ملی مانند دکتر حسین فاطمی (فرهمند، ۱۳۸۳، ۱).

بعد از وقوع کودتا حزب و سازمان افسری به همه اعضای خود که در فرمانداری نظامی، اداره اطلاعات و شهربانی کل و دیگر سازمان‌های پیگرد و دستگیری و بازپرسی که مقام و موقعیتی داشتند توصیه و سفارش شده بود که باید از همه دوستان و موافقان دولت فروریخته مصدق پشتیبانی، محافظت و نگهداری شود، در حقیقت همه نیروهای ضد استعماری دوران مصدق زیر چتر نامریی حمایت سازمان افسران قرار گرفته بودند و تا جایی که در توان و قدرت این سازمان بود از یکایک افراد بدون توجه به رنگارنگی نظریات سیاسی و اجتماعی آنان و وابستگی‌های حزبی و گروهی این افراد مراقبت و محافظت به عمل می‌آمد. هنگامی که سازمان از نام کسانی که باید بازداشت شوند اطلاع حاصل می‌کرد پیشاپیش آگاهی و هشدار لازم را برای افراد مذکور می‌فرستاد (ورقا، ۶۴، ۱۳۸۲-۶۵) نیرو و توان سازمان افسری تا بیش از یک‌سال پس از کودتا بر آن پایه بود که در دوران بازداشت مصدق زمانی که در بازداشتگاه لشکر دو زرهی به سر می‌برد به صورت منظم اطلاعات و اخبار و مدارک و اسنادی که مورد نیاز این بزرگ مرد ایرانی بود را در اختیار وی

قرار می‌دادند، در همین زمان به ابتکار خسرو روزبه به دکتر مصدق پیشنهاد شده بود که در صورت تمایل و موافقت شخصی، سازمان قادر است او را از زندان برهاند و تعهد می‌کند که وی را به سلامت به هر کشوری که خود می‌خواهد برساند اما دکتر مصدق با اظهار سپاس این پیشنهاد را به دلایلی نمی‌پذیرد و بعد از گذراندن دوران محکومیت به احمدآباد تبعید و در همان‌جا وفات می‌کند (ورقا، ۱۳۸۲، ۶۵-۶۴).

تشکیلات زنان سازمان افسران حزب توده

بعد از کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هیئت دبیران سازمان افسران، تشکیلات زنان را سازمان داد و به اعضا دستور داده شد که در روشن کردن خانم‌های خود بکوشند و اسامی خانم‌هایی را که مناسب برای عضویت باشند ارائه دهند. مریم فیروز درباره علت ایجاد تشکیلات زنان می‌نویسد «روزی خسرو روزبه و محقق زاده مرا خواستند و گفتند باید برای عده‌ای از زنان افسران حزب جلساتی ترتیب داد. آن‌ها می‌گفتند در این دوران نقش افسران، روز به روز مهم‌تر و دشوارتر می‌شود و خیلی از زن‌ها که جوان هستند نمی‌توانند درک کنند که شوهرانشان به کاری بزرگ پرداخته‌اند و شب‌ها دیر به خانه می‌آیند به همین خاطر کاری باید شود که این زنان با شوهرانشان همکاری نمایند و از همه مهم‌تر رازدار آن‌ها باشند» (خسرو پناه، ۱۳۷۷، ۱۳۶).

نحوه عضویت زنان افسران تابع همان شرایط و تشریفات عضویت در سازمان افسری بود با این تفاوت که هر افسری موظف بود پس از آماده ساختن همسرش، کاراکتر وی را تنظیم و به هیئت اجرایی بدهد. آن عده از زنان افسران که در تشکیلات زنان حزب توده بودند نیازی به این تشریفات نداشتند و مستقیماً به حوزه زنان سازمان معرفی می‌شدند، مخفی کاری در تشکیلات زنان سازمان پیش از تشکیلات سازمان مورد تاکید قرار می‌گرفت. از نظر سازماندهی تشکیلاتی، حوزه‌های زنان تابع و جزء همان شاخه‌ای بود که همسران آن‌ها در آن فعالیت می‌کردند، معمولاً مسئولیت حوزه زنان بر عهده همسر یکی از آنان قرار داشت. چنانکه از اسناد و مدارک موجود بر می‌آید تشکیلات زنان یک بار در سال ۱۳۳۲ ایجاد شده که پس از مدتی از سوی هیئت اجراییه یا دبیران سازمان فعالیتش متوقف و از اوایل تابستان ۱۳۳۳ بار دیگر آغاز به کار می‌کند که با کشف سازمان افسران فعالیت این نهاد نیز متوقف می‌گردد (همان، ۱۳۸) در جریان کشف دبیرخانه سازمان در خیابان ۲۱ آذر در شهریور سال ۱۳۳۳، دفترچه اسامی تشکیلات زنان نیز به دست ماموران فرمانداری نظامی افتاد، اما سروان پولاددژ آن دفترچه را به همراه مقداری مدارک و اسناد دیگر برداشت و از کشور خارج شد و به این ترتیب تشکیلات زنان سازمان افسران به صورت کامل لو نرفت و مدارک محرز و قابل استنادی در اختیار بازجویان فرمانداری نظامی قرار نگرفت (همان، ۱۳۹).

فروپاشی سازمان افسران حزب توده

یک سال بعد از کودتا ۲۸ مرداد در ۲۱ مرداد ۱۳۳۳ ضربه هولناکی به سازمان نظامی وارد شد، سروان ابوالحسن عباسی عضو هیئت اجراییه سازمان دستگیر شد و با اینکه دوازده روز زیر شکنجه دوام آورد اما در نهایت لب به سخن گشود. با کشف سازمان نظامی به حیاط پر ماجرای این گروه سیاسی وابسته به حزب توده در این مقطع از تاریخ ایران نقطه پایان گذارده می‌شود (حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی، ۱۳۸۷، ۱۲۰) کشف سازمان مخفی افسران حزب توده موجب دستگیر شدن اکثر اعضای این سازمان گردید و اعدام افسران آغاز شد. بامداد روز ۲۷ مهر ماه ۱۳۳۳ نخستین گروه افسران با نام‌های سرهنگ سیامک، سرهنگ مبشری، سرهنگ عزیزی نمینی، سرگرد وزیریان، سرگرد عطارد، سروان مدنی، سروان واعظ قایمی، سروان شفا، ستوان یکم افروخته و غیر نظامی مهندس مرتضی کیوان به جوخه اعدام سپرده شدند (ورقا، ۱۳۸۲، ۸۸-۱۴۴). سحرگاه ۸ آبان ۱۳۳۳ گروه دوم افسرانی که اعدام شدند عبارتند از سرگرد بهنیا، سرگرد محبی، سروان بیانی، سروان کلالی، سروان کلهری و سروان مهدیان. بامداد روز ۱۷ آبان ۱۳۳۳ گروه سوم: سرهنگ جلالی، سرهنگ جمشیدی، سرهنگ بکشلو، سرگرد وکیلی و ستوان یکم واله. بامداد ۲۶ مرداد ۱۳۳۳ گروه چهارم شامل سروشیان، سرگرد بهزاد، سروان محقق زاده دوانی، ستوان یکم مرزوان، ستوان یکم مختاری گلپایگانی و ستوان نصیری اعدام شدند (ورقا، ۱۳۸۲، ۸۸-۱۴۴). ابراز احساسات یکی از افسران اعدامی قبل از اعدام به این ترتیب است که می‌گوید: «مردم در خیابان‌ها در رفت و آمدند، حتی سر بر نمی‌گردانند ما را نگاه کنند ظاهراً خبر اعدام ما را نشنیده‌اند اما چطور نشنیده‌اند؟ تف به این مردم و این احساس! دیگر از هر چه کلمه مردم است نفرت دارم.... ما را ببین که به وکالت و نیابت این مردم گردن به چاقوی قصاب می‌ساییم» (خسرو پناه، افسران حزب توده از درون، ۱۳۸۰، ۱۸۷). ماشالله ورقا در خاطرات خود می‌نویسد: تعدادی روزنامه نگار و فیلم بردار خارجی و داخلی به مراسم اعدام افسران دعوت شده بودند که شهامت و گردن فرازی افسران در لحظه‌های پیش از مرگ از دید خبرنگاران پوشیده نمی‌ماند و گویا این افسران به جشن و سرور می‌رفتند و نه به پای چوبه اعدام. پس از انجام دستور تیر خلاص، فریاد جوان‌ترین سروان کشور نورالله شفا در فضای میدان اعدام طنین انداز می‌شود که (من هنوز زنده‌ام) آن‌گاه خود فرمان آتش می‌دهد و می‌گوید تیراندازی کنید (ورقا، ۱۳۸۲، ۱۲۹). خبرنگاران غربی که شاهد اعدامها بودند به مقامات سازمان سیا گفتند که افسران با بی‌اعتنایی و سر دادن شعا‌های حزب توده به سوی مرگ می‌رفتند، سازمان سیا در گزارشات خود می‌نویسد: بخش‌های گسترده‌ای از مردم ایران تحت تاثیر این مبارزه طلبی، بی‌باکی و دلیری محکومین قرار گرفتند (آبراهامیان، ۱۳۸۴، ۴۱۵) در حالی که بخش عمده سازمان نظامی در سال

۱۳۳۳ از بین رفت، باقی مانده آن زیر نظر خسرو روزبه، که در راس شاخه اطلاعاتی بود باقی ماند. وی کوشید حزب را احیا کند اما بازداشت و اعدامش در سال ۱۳۳۷ به فعالیت سازمان یافته این حزب برای همیشه پایان داد (بهروز، ۱۳۹۰، ۵۲). خسرو روزبه در دادگاه نظامی و در آخرین دفاعش چنین گفت «من زمانی دستگیر شدم که دیگر هیچ راز مکتومی وجود نداشت. بهرامی‌ها، قریشی‌ها..... از سیر تا پیاز را گفته بودند. حجم اطلاعات دستگاه به راستی ده برابر مجموعه اطلاعات من بود» (همان، ۳۳)

عوامل متعددی درباره فروپاشی سازمان افسران ذکر شده است که شاید بتوان بنیادی‌ترین ضعف و نقص سازمان افسران حزب توده که آن را به شدت آسیب پذیر می‌کرد شیوه سازماندهی و بورکراتیک و به شدت متمرکز این سازمان دانست، کلیه تصمیم‌گیری‌ها و تعیین وظایف از سوی رهبری این سازمان پیش از کودتا از سوی هیئت اجرائیه هفت نفره و پس از کودتا از سوی هیئت دبیران سه نفره اتخاذ می‌شد و بالطبع دیگر اعضا و مسئولین سازمان در تصمیم‌گیری‌ها نقشی نداشتند و حتی از انتشار بسیاری از اخبار در تشکیلات سازمان جلوگیری می‌شد (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۲۳۶) از دیگر نقایص مهم سازمان افسران می‌بایست به کاهش روزافزون حس ابتکار، خلاقیت و تصمیم‌گیری اعضا و وابسته بودن آنان به دستورات رهبری، نبود دموکراسی درون تشکیلات سازمان و کاغذ بازی و تنظیم آرشیو اشاره کرد که در فروپاشی سازمان تاثیر جدی داشت.

برخی از افسران همه چیز را تحت استیلاي شوروی‌ها می‌دیدند و می‌دانستند^۷، کامبخش از جمله این افراد بود، برای نمونه: رسته هوایی دانشکده افسری سرودی برای خود داشتند که احمد عاشورپور آن را ساخته بود و سرود با این جمله به پایان می‌رسید «نسوزد به ایران دل دیگری» وقتی کامبخش این سرود را شنید برآشفته و گفت «قلب اتحاد شوروی برای ایرانیان بیشتر از دل ایرانیان می‌سوزد» نویسنده می‌افزاید این برای نخستین بار بود که من به صداقت و درستی گفته‌های کامبخش نسبت به ایران و ایرانی دچار تردید شدم (نظری غازیانی، ۱۳۷۶، ۳۹). این موضوع میزان نفوذ شوروی‌ها در سازمان افسران حزب توده را بیش از پیش روشن می‌کند که برخی از افسران تا چه اندازه به شوروی دل بسته بوده‌اند. خلیل ملکی عامل شکست حزب توده را این چنین بیان می‌کند: بزرگترین دلیل اشتباهات و شکست‌های حزب توده در این بود که به جای اتکا به توده ملت ایران، خود را به قدرت شوروی متکی می‌کرد. سران این حزب به جزء چند نفر از آنان عامل و مامور سرسپرده شوروی در ایران بودند (ملکی، ۱۳۷۴، ۱۳)

فعالیت سازمان به رغم تاکید بر مخفی بودن آن در عمل توجه چندانی به رعایت و به کار بستن اصول پنهان کاری نمی کرد و اعضای سازمان نظامی ساده‌انگارانه بهای چندانی به دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی ارتش نمی دادند. مرتضی زربخت در این باره می گوید: بی احتیاطی به حدی بود که گاهی خودم با لباس شخصی به کلوب حزب توده می رفتم و در آن جا یک بار با کمال تعجب سرهنگ آذر را با لباس نظامی دیدم، بی احتیاطی و عدم پنهان کاری تنها از سوی اعضای سازمان نبود حتی اعضای با تجربه که مسئولیت سازمان یا آموزش اعضا را بر عهده داشتند نیز توجه چندانی به اختفاء فعالیت حزب توده در ارتش نداشتند (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۲۴) در چنین شرایطی که رهبری حزب توده و سازمان افسران در آن قرار داشت فرمانداری نظامی تهران با آگاهی‌های روزافزون به تدریج حلقه محاصره را بر حزب توده تنگ‌تر می کرد و بر اساس دانسته‌های قبلی و یافته‌های جدید در پی یافتن نظامیان توده‌ای گام بر می داشت و دستگیری عباسی که سال‌ها بود زندگی نیمه مخفی داشت گام تعیین کننده‌ای بود که مامورین فرمانداری نظامی تهران برای فروپاشی سازمان افسران برداشتند و مقاومت دوازده روزه وی نیز با بی عملی و کاهلی اعجاب آور رهبری حزب توده نتوانست راه به جایی ببرد. ابوالحسن عباسی به رغم رهنمود حزبی که تاکید می کرد فرد دستگیر شده بایستی تا ۴۸ ساعت مقاومت کند تا دیگران اطلاعات وی را خنثی کنند ۱۲ روز مقاومت کرد و سخت‌ترین شکنجه‌ها را تاب آورد اما رهبری حزب این فرصت گرانقیمت را به راحتی هدر داد و نتوانست سازمان افسران را در امان نگه دارد. این عوامل در نتیجه فروپاشی سازمان افسران حزب توده را به همرا داشت (همان، ۲۳۷)

نتیجه

سازمان افسران حزب توده یکی از تشکیلات حزب توده بود که به وسیله برخی از افسران و درجه‌داران عالی رتبه ارتش ایران سازماندهی و رهبری می شد. بدون شک این سازمان عامل قدرت و اعتبار حزب توده محسوب می شد چرا که در دوران موجودیت این سازمان در فعالیتهای سیاسی کشور، حزب توده نیز از قدرت بالایی برخوردار شد و بخشی از اقدامات خود را مدیون سازمان افسران بود. سازمان افسران حزب توده به دلیل جایگاهی که داشتند و پست‌های مهم ارتش را اشغال کرده بودند نقش حساسی را در پیشبرد فعالیتهای حزبی، حزب توده بر عهده داشتند. افسران این سازمان با قرار دادن اطلاعات مهم و سری ارتش و قوه نظامی در اختیار حزب توده، بسیاری از رویدادها را به نفع حزب خود به پایان رساندند. از آن جا که موسسان و رهبران این سازمان از نظامیان مشهور و با سابقه ارتش بودند لذا این افراد می توانستند به عنوان

عنصری تبلیغاتی عمل کنند و سایر نظامیان را به سوی خود جلب کنند و به این ترتیب روز به روز بر تعداد افراد این سازمان بیفزایند. سازمان افسران از آن جهت که یکی از تشکیلات حزب توده به حساب می‌آمد و این حزب دوستدار کشور شوروی محسوب می‌شد می‌توانست عاملی برای نفوذ این دولت بیگانه در نظام ایران باشد که همینطور هم شد و بارها به این موضوع در کتاب‌ها و اسناد تاریخی مختلف اشاره شده است که تا چه اندازه این سازمان و افرادی که در آن حضور داشتند حافظ منافع دولت شوروی بودند. به هر حال سازمان افسران حزب توده در طول مدت حضور سازمانی خود یکی از تشکیلات مهم، قدرتمند و با نفوذ تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شد که وقایع و رویدادهای بسیاری را به بار آورد.

پی نوشت

۱. حزب توده علاوه بر سازمان افسران تشکیلاتی دیگر از جمله سازمان زنان و سازمان جوانان را نیز به وجود آورد. این حزب همچنین شورای متحده مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران را تشکیل داد که یکی از مهم‌ترین تشکل‌های تاریخ معاصر ایران بود. (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۸، ۴۰)
۲. دکتر تقی ارانی در محاکمه گروه پنجاه و سه نفر در ضمن نطق دفاعی خود اظهار داشت که این عده نه تنها گناهکار نیستند بلکه در عین حال ثوابکار نیز هستند چرا که این گروه پنجاه و سه نفر جان خود و کسان خود را به مخاطره انداخته‌اند و ایمان قطعی دارند به این که کوچکترین قدمی بر ضد منافع توده عظیم ایران برنداشته‌اند و همواره مایه افتخارات ایران بوده‌اند. (بزرگ علوی، ۱۳۸۱، ۲۵۵)
۳. تشکیل سازمان نظامی حزب توده در واقع خواست و تمایل افسران آرمانخواه و آزادی طلبی همچون سرهنگ آذر و سروان روزبه بود. اعضای این سازمان به رغم عضویت در حزب توده دارای استقلال فکری و نظرب بودند و به دنبال تحقق آرمان‌های خویش دست به اقداماتی می‌زدند که با مخالفت و نارضایتی رهبران حزب توده مواجه می‌شدند. (خسروپناه، ۱۳۷۷، ۱۲)
۴. سرگرد علی اکبر اسکندانی به همراه پنج نفر دیگر در حالی که در ماشین جیبی نشسته بودند و در حال عبور از جلوی ساختمان شهربانی گنبد قابوس بودند مورد هجوم تیر قرار می‌گیرند و همگی کشته می‌شوند. مابقی نفرات که در دو دستگاه کامیون هستند با دیدن این صحنه متواری می‌شوند. (شفایی، ۱۳۶۵، ۸۰)
۵. حسن ارفع شخصیتی که از سن دوازده سالگی وارد دنیای سیاست شد سرلشگر حسن ارفع از اشخاص مشهور و شاخص ارتش ایران بود، وی به دستور سفارت انگلستان در ژنی کشف افراد نظامی توده‌ای تلاش -

های بسیاری انجام داد تا عناصر مشکوک در مشاغل حساس ارتش قرار نگیرند، مبارزات ارفع با حزب توده زبانزد خاص و عام بود (صنعتی، ۱۳۷۶، ۱۷۹)

۶. جنبش‌های خودمختار آذربایجان و کردستان نخستین آزمون‌های ظرفیت و قابلیت جنبش‌های اجتماعی جدید در جو در حال تغییر داخلی و خارجی ایران بعد از رضا شاه به حساب می‌آید. مردم آذربایجان به رهبری حزب دموکرات و در راس آن جعفر پیشه‌وری حکومت خودمختار آذربایجان را در تیریز اعلام کردند و از طرف دیگر قاضی محمد از سرشناسان مردم کردستان و از خانواده‌ای زمیندار و قاضیان جمهوری خودمختار کردستان را اعلام کرد. (فوران، ۱۳۸۵، ۴۰۷)

۷. کوچکترین کار آن‌ها این بود که در هر مقام و موقعیتی بودند اسرار ارتش و قوای نظامی، مدارک و اسناد محرمانه و هر گونه اطلاعات قابل توجهی را می‌دزدیدند و به حزب توده تسلیم می‌کردند که این حزب نیز آن‌ها را در اختیار بیگانگان قرار می‌داد. (بختیار، ۱۳۴۴، ۲)

منابع

آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۴). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی و لیلایی، تهران، نی، چ ۱۱.

احسانی، علی اصغر، (۱۳۷۸). خاطرات ما از قیام افسران خراسان، تهران، علم.

اعترافات سران حزب توده، (۱۳۷۵). گردآوری مرکز اسناد، ج ۱، تهران، نگره.

بختیار، تیمور، (۱۳۴۴). کتاب سیاه درباره سازمان افسران حزب توده، تهران، نشر کالیفرنیا کتاب جهان.

بهروز، مازیار، (۱۳۹۰). شورشیان آرمانخواه (ناکامی چپ در ایران)، ترجمه مهدی پرتوی، تهران: ققنوس، چ ۱۲.

بزرگ علوی، مجتبی، (۱۳۸۱). پنجاه و سه نفر، تهران، نگاه، چ ۲.

تفرشیان، ابوالحسن، (۱۳۵۹). قیام افسران خراسان، تهران، علم.

حزب توده از شکل‌گیری تا فروپاشی، (۱۳۸۷). به کوشش جمعی از پژوهشگران، تهران، نشر مرکز اسناد.

چپ در ایران به روایت اسناد ساواک (اسنادی از سازمان افسران حزب توده)، (۱۳۸۲). تهران، نشر وزارت اطلاعات مرکز بررسی اسناد تاریخی.

خسروپناه، محمد حسین، (۱۳۷۷). سازمان افسران حزب توده، تهران، شیرازه.

- _____، (۱۳۸۰). افسران حزب توده از درون، تهران، پیام امروز.
- زربخت، مرتضی، (۱۳۸۲). خاطراتی از سازمان افسران حزب توده در گفت و گو با حمید احمدی، تهران، ققنوس.
- شفایی، احمد، (۱۳۸۰). قیام افسران خراسان و سی و هت سال زندگی در شوروی، تهران، نشر کتاب سرا.
- عمویی، محمد علی، (۱۳۶۵). درد زمانه، تهران، نشر اشاره، چ ۴.
- طیب زاده، امید، (۱۳۸۰). جشن نامه ابوالحسن نجفی، تهران، نشر نیلوفر، چ ۲.
- فوران، جان، (۱۳۸۵). مقاومت شکننده (تاریخ تولد اجتماعی ایران)، ترجمه احمد تدین، تهران، رسا، چ ۶.
- مدیر شانه‌چی، محسن، (۱۳۸۸). پنجاه سال فراز و فرود حزب توده ایران، تهران، نشر مرکز اسناد.
- ملکی، خلیل، (۱۳۷۴). برخورد عقاید و آراء، تهران، نشر مرکز.
- نظری (غازیانی)، حسن، (۱۳۷۶). گماشتگی‌های بدفرجام، تهران، رسا.
- ورقا، ماشاالله، (۱۳۸۲). در سایه بیم و امید، تهران، بازتاب نگار.

مقالات

- خارکوهی، غلامرضا، (۱۳۸۸). ورود ارتش سرخ و فرصت طلبی‌های حزب توده در استان گلستان، نشریه پانزده خرداد، شماره ۲۱، از ص ۶۷ تا ۱۰۸.
- صنعتی، محمد حسین، (۱۳۸۳). ارفع در اسناد ساواک، نشریه فصلنامه مطالعات تاریخی، شماره ۳، ص ۱۷۵.
- فرهمند، جلال، (۱۳۸۳). سازمان نظامی حزب توده، نشریه تاریخ معاصر ایران، شماره ۳۱، صص ۳۰۱ - ۳۱۴.